

تحلیل و بررسی جایگاه رابطه سببیت در مسئولیت مدنی

مجتبی قرا باغی^۱

چکیده

در خور توجه است که تنها تقصیر در حوزه مسوولیت مدنی داشتن کافی نیست و برای این که خواننده مسوول پرداخت خسارت شناخته شود، وجود رابطه سببیت میان فعل زیانبار و خسارت وارده یک امر ضروری می باشد. تشخیص رابط سببیت بین ضرر وارده شده و عامل آن در صورت که عامل و سبب واحد باشد کاری راحت و ساده است، ولی در موارد که چندین سبب در ایجاد حادثه؛ دخالت داشته باشند تشخیص سبب و علت اصلی قدری دشوار و مشکل است؛ در این حوزه نظریات متعددی از سوی دکتربین حقوق ابراز شده است، گاهی عوامل موجب تغییر رابطه سببیت می شود، مانند قوه قاهره، که در ایجاد ضرر دخالت دارد و نیز عوامل مانند قاعده احسان، دفاع مشروع، اکراه، تحذیر، و دخالت خود شخص زیان دیده موجب می شود، که مسوولیت عامل زیان و ضرر ساقط گردد.

کلید واژهها: رابطه سببیت، ضرر، مسوولیت مدنی، نظریات متعدد، عوامل رافع مسوولیت.

^۱. سطح چهار حوزه و کارشناسی ارشد دانشگاه (mq0452@gmail.com)

رابطه سببیت بین فعل زیان بار و ضرر وارد شده یک امری ضروری، و بدهی است بر اساس اصل عقلای و حکم عقل، هر کس مسؤول خسارت است که خود سبب و عامل آن بوده است و به عبارتی می توان گفت که بین خسارت وارده و فعل که خسارت از آن ناشی شده است، رابط علیت وجود داشته باشد، بر عکس اگر رابط ای سببیت میان زیان وارده و فعل زیان آور وجود نداشته باشد؛ عقلا عامل مسوول جبران چنین خسارت نخواهد بود، در این تحقیق سعی شده است، که رابطه سببیت به صورت کامل تبیین شده و نظریات که در این حوزه ابراز شده مورد ارزیابی قرار گیرد.

مبحث اول: مفهوم شناسی

گفتار اول: تعریف سبب

رابطه ای سببیت از دو واژه تشکیل شده است، ۱ رابطه ۲ سببیت. در فرهنگ عمید رابطه این گونه تعریف شده است؛ رابطه: مؤنث رابط به معنی علاقه، پیوند، علاقه بین دو تن یا دو چیز، آنچه که دو تن یا دو چیز را به هم پیوستگی و ارتباط بدهد و روابط جمع آن. (حسن، عمید، ۱۳۶۳، ص ۱۲۰۰) در جای دیگر به معنای: ارتباط، اتصال و وصله نیز آمده است. (محمد، غفرانی، ۱۳۸۵، ص ۲۸۳) تعریف سبب: سبب به معنای علت، طریقه، وسیله، دست آویز، پیوند و علاقه خیشی، قرابت و اسباب جمع آن، آمده است. (حسن، عمید، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۳۷۶)، و نیز به معنای ریسمانی که به کمک آن از درخت خرما بالا می روند و هر وسیله که برای رسیدن به چیزی از آن کمک گرفته می شود آمده و جمع آن اسباب است. (راغب، اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۲۲۰). و به معنای سبب اصلی، علت واقعی، سبب اصلی، عامل اصلی، و علت عمده نیز آمده است. (نجفعلی، میرزایی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۶)،

گفتار دوم: مفهوم رابطه سببیت در اصطلاح حقوق

رابطه ای سببیت یک رابطه ای مادی و خارجی است که باید در عالم خارج تحقق پیدا کند؛ بنا برای صرف تصور زیان وارد شده و فعل زیان بار موجب مسؤولیت نمی شود.

باید توجه داشت که واژه سبب در حوزه فلسفه و استفاده آن در حوزه علم حقوق کاملاً متفاوت است؛ از دیدگاه فلسفه سبب علت تامه شی اطلاق می شود که با وجود آن وجود معلول حتمی می شود در مقابل مفهوم شرط در فلسفه که از عدم آن عدم معلول و از وجود آن وجود لازم نمی آید؛ به عبارتی تلازم شرط و مشروط فقط در جهت منفی است. در حالیکه ملازمه میان سبب مسبب هم در جهت مثبت و هم در جهت منفی آن است.

بنا بر این رابطه سبب به عنوان علت تامه با شرط در این است که سبب از مجموعه علل ناقصه تشکیل شده است و هر علت ناقصه در بوجود آمدن معلول نقش دارند منتها با این توضیح که از عدم علت ناقصه عدم معلول و از وجود آن وجود معلول لازم نمی آید؛ در نتیجه مفهومی از علت ناقصه در فلسفه شده است منطبق بر مفهوم شرط است.

بر این اساس عنوان تعدد اسباب که در بحث رابطه ای است سببیت مطرح است یک بحث است که دارای اشکال است؛ زیرا اصطلاح درست آن تعدد شروط است که از مجموع آنها مسبب بوجود می آید که همان زیان است، فرض تعدد اسباب به معنای فلسفی آن در معلول واحد فرض محال است.

در حوزه حقوق سبب به معنای عرفی آن استعمال شده است و به تبع آن هدف از رابطه سببیت؛ رابطه است که عرفاً میان فعل زیان بار و ضرر وارد شده است برقرار است. هر چند اصطلاح رابطه سببیت به کار گرفته می شود اما این بدان معنا نیست که این اصطلاح یک مفهوم عقلانی فلسفی است که شناسای آن نیازمند دقت فلسفی است بلکه رابطه ای سببیت فقط به معنای عرفی آن به کار رفته است. (جعفری، تبار، تهران، ۱۳۷۵، ص)، مثلاً صرف شکستن ویتترین مغازه ای به دنبال عبور اتومبیل از مجاورت آن با سرعت غیر مجاز کافی برای تحقق مسئولیت راننده نیست؛ بلکه باید برای مثال ثابت شود که بر اثر سرعت زیاد اتومبیل سنگ ریزه ای از زیر چرخ پریده و شیشه را شکسته است. مقصود سبب تام و یا علت تامه نیست؛ بلکه مراد سبب و عاملی است که ضرر مستند به فعل اوست و عرف خسارت را به او نسبت می دهد (علت و سبب که عرف ضرر را به او نسبت می دهد).

گفتار سوم: تفاوت فرض تقصیر و فرض سببیت

فرض تقصیر ارتکاب تعدی یا تفریط که مربوط به اثبات رکن فعل زیان بار است و علی‌الاصول باید توسط خواهان اثبات شود مفروض گرفته است، اما در فرض سببیت قانونگذار زیان به عاملی منتسب می‌کند و او عامل زیان می‌داند اعم از اینکه مقصر بوده باشد یا نباشد، در واقع می‌توان گفت که فرض تقصیر مربوط به احراز فعل زیان بار است اما فرض سببیت مربوط احراز رابطه سببیت است. بنا بر این در صورت فرض سببیت؛ اثبات بی‌تقصیری خوانده نمی‌تواند این فرض قانونی را رد نماید و تنها سودی که دارد این است که عدم انتساب زیان به او را می‌تواند نه همراه داشته آنهم نه از راه اثبات به بی‌تقصیری بلکه از طریق انتساب ضرر به عامل غیر از فعل او.

با توجه به تفاوت که بین تقصیر و سبب وجود دارد ناگفته نماند که ارتباط ظریفی هم میان هر دو وجود دارد به گونه که در برخی از موارد فرض سببیت از فرض تقصیر قابل استنتاج است، مثل آن صورت که قانونگذار فرض تقصیر را مسلم گرفته باشد. (تقصیر ابوین و پیشه وران به علت اعمال اشخاص ثالث و شاگردان تحت مرقت آنان مفروض می‌باشد بنا بر این زیان‌دیده الزامی ندارد که تقصیر ابوین را به اثبات برساند بلکه به محض احراز وقوع فعل زیانبار از طفل، ابوین مقصر فرض می‌شوند. مفاد ماده ۱۳۸۴ ق.م. فرانسه) در حقوق ایران نیز بند ۲ ماده ۱۱۳ قانون دریای به صراحت فرض تقصیر را پذیرفته است. اما در مواردی دیگر قانون‌گذار برای رد تقصیر اثبات بی‌تقصیری را کافی ندانسته بلکه خوانده باید از فورس ماژور تقصیر را رد کند، (ماده ۲۲۷ ق.م.).

مبحث دوم: اثبات یا احراز رابطه ای سببیت

برای انتخاب سبب مسؤول، گذشته از اینکه تقصیر تا چه حد دخالت در مسؤولیت داشته است اثبات رابطه سببیت لازم است؛ زیرا هر گاه در سببیت فعل شخصی شک و تردید وجود داشته باشد؛ اصل عدم آن است، به کمک این اصل مسؤولیت از شخص خوانده منتفی می‌شود. (محمود، قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۳۸۱)

گفتار اول: موارد تشخیص رابطه ای سببیت

صورت اول؛ شخص به صورت مستقیم و بدون واسطه مرتکب فعل زیان بار می‌شود، در صورت احراز رابطه ای سببیت؛ امری آسان راحت است، زیرا حوادث دیگری در ایجاد ضرر دخالت نداشته

است؛ و وقتی ثابت شود که زیان وارده به علت فعل شخص بوده حکم به رابطه ای سببیت می شود؛ مثل این که شخص چوب مشتعل به آتش را به انبار بنزین پرتاب کند و بر اثر آن انبار بنزین آتش گرفته و خسارت های به بار آورد.

صورت دوم؛ اجتماع سبب و مباشر است به صورت که چند با یک مباشر موجب ایجاد شود به این صورت که شخص (الف) به آقای (ب) اسلحه می دهد که فلان شخص را به قتل برساند، شخص (الف) به عنوان معاون جرم باید مجازات را تحمل کند و شخص (ب) به عنوان مباشر مجازات می شود و ماده ۳۳۲ ق.م. و ماده ۳۶۳ ق.م.ا. به این صورت مسأله اشاره کرده است.

ناگفته نماند که که فعل شخص (الف) فقط جنبه ای اقتضای در ایجاد حادثه دارد زیرا امکان دارد که شخص کار را که به او محول شده است انجام ندهد به همین علت است که فعل شخص (الف) در زمره اسباب یا واسطه ای ایجاد ضرر به حساب می آید نه وسیله ایجاد ضرر.

صورت سوم؛ آن حالت است؛ که ضرر واحد ناشی از دخالت و تأثیر یکی از چند سبب باشد ولی آن سبب؛ به تفصیل معلوم و معین نیست و اجمالاً معلوم است؛ و همچنین در مواردی که چندین سبب و عامل در ورود و ایجاد ضرر واحد دخالت داشته اند. اثبات و احراز رابطه ای سببیت در این دو مورد تا حدودی زیادی پیچیده و مشکل است، که هر کدام جداگانه، بررسی می شود:

چند نظریه در این حوزه وارد شده است؛ که هم سبب های طولی و هم عرضی را شامل می شود؛ اما مورد را که چند سبب باهم و هم زمان در ایجاد حادثه ای نقش داشته باشند شامل نمی شود و هیچ یک از نظریه ها در این مورد راه حل را بیان نکرده اند در این فرض به حکم عرف رابطه سببیت بین تمامی اسباب و ضرر بر قرار است ماده ۱۴ ق، م، م. در این باره می فرماید: (هرگاه چند نفر مجتمعاً زیانی وارد آورند متضامناً مسؤول خسارت وارده هستند، در این مورد میزان مسؤولیت هر یک از آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک از طرف دادگاه تعیین خواهد شد) این قاعده در ماده ۳۶۵ ق.م.ا. نیز تکرار شده است با این تفاوت که حکم این ماده کلی است و صراحت دارد (هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود)

ممکن است علت و سبب حادثه زیان بار بین چند علت و سبب محصور باشد ولی زیان دیده نمی تواند به صورت یقینی و قاطع معین کند که علت اصلی کدام بوده است، اما انجام فعل توسط یکی از آن گروه مسلم است، مانند اینکه چند نفر بالای یک چوپان تیراندازی کرد در نتیجه چوپان کشته یا مجروح شد چوپان توسط یکی از افراد گروه مجروح و یا کشته شده است. ولی معلوم نیست تیر کدام یک به او اصابت کرده است. یا گروهی بالای گروهی از شهروند تیراندازی کند در نتیجه یا یک یا چند شهروند مجروح یا کشته شود. در این مورد نیز مسلم است که یک یا چند شهروند به دست یک یا دوی از آن گروه به قتل یا مجروح شده است. ولی معلوم نیست تیر کی به کی اصابت کرده است.

چند پاسخ در این حوزه قابل بحث و بررسی است:

هیچ یک از اعضای گروه به دلیل عدم اثبات رابطه سببیت مسئولیت ندارند این راه حل غیر منطقی و ناعادلانه به نظر می رسد.

تمامی اعضاء مسئولیت جمعی دارند. این راه حل را ماده ۸۳۰ قانون مدنی آلمان، ماده ۷۱۹ قانون مدنی جاپان، و ماده ۱۳۷ قانون مدنی لهستان، پذیرفته است. (ناصر، کاتوزیان، ۱۳۶۹، ص ۳۶۹). البته این راه خلاف اصل می باشد.

تمامی اعضای گروه مسئولیت غیر تضامنی و مشترک دارند.

نظریه دیگر که در حقوق اسلامی مطرح شده و در حقوق ایران نیز قابل قبول است نظریه توسل به قرعه برای حل مشکلات است. در ماده ۳۱۵ ق.م.ا. در یک مورد مشابه به آن تصریح و مقرر می دارد:

«اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام ادعا کند که دیگری کشته است و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آن دونفر باشد و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دینه برسد با قید قرعه دیه، از یکی از آن دو نفر گرفته می شود».

رسیدن به عدالت مطلق و راه حل مناسب در همچون موارد بسیار مشکل به نظر می رسد ولی قانون گذار در ماده ۳۱۵ ق.م.ا. برای حمایت از زیان دیده قاعده قرعه را پذیرفته است. (مرتضی، قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۳۸۲)

گفتار دوم: راه حل های دکترین حقوق

در صورتی که در ایجاد یک حادثه اسباب متعدد دخالت داشته باشند باید بررسی شود که کدام سبب از بین اسباب متعدد سبب اصلی وجود خسارت محسوب می شود؛ از طرف حقوق دانان نظریه های متعددی ارایه شده است که هر کدام با توجه به این که به سهم خود چهره ای از حقیقت را روشن می سازد، در عین حال که جنبه های مثبت دارند کاستی هم در آنها وجود دارد.

نظریه برابری اسباب

بر اساس این که توسط حقوق دان آلمانی (فن بوری) همه اسباب و شرایطی که موجبات زیان را فراهم کرده اند با یکدیگر برابرند زیرا هیچ یک از آنها به تنهای قادر به ایراد ضرر نیست و وجود همه برای به وجود آمدن ضرر لازم است به عبارت دیگر هر عملی را که بدون آن خسارت پدید نمی آید می توان سبب خسارت نامید و در این صورت همه مسؤولیت تضامنی دارند.

در حقوق ایران در ماده ۳۳۶ ق.م.ا. همین نظریه پذیرفته شده است، در این ماه آمده است: هر گاه در اثر بر خورد دو سوار، وسیله نقلیه آنها مانند اتومبیل خسارت ببیند در صورتی که تصادم و بر خورد به هر دو نسبت داده شود و هر دو مقصر باشند یا هیچ کدام مقصر نباشند هر کدام نصف خسارت وسیله دیگری را ضامن خواهد بود خواه آن دو وسیله از یک نوع باشند یا نباشند و خواه میزان تقصیر آنها مساوی یا متفاوت باشد و اگر یکی از آنها مقصر باشد فقط مقصر ضامن است.

برخی از فقها مثل امام خمینی (ره) بر این عقیده اند که اگر چند نفر در ضرری و زیان را به کسی وارد نمایند، همه مسؤول می باشند، هر چند که میزان مسؤولیت متفاوت باشد. (امام خمینی، ۱۴۰۹،

ص ۵۴۱)

در ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی حکم به تساوی اسباب شده است، اما به میزان تأثیر گذاری آنها در جنایت توجه نشده است، مفاد ماده (هر گاه چند نفر باهم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود).

اشکالات: این نظریه از این جهت که قاضی زود تر به نتیجه می رسد خوب است اما از این جهت که هیچ تفاوتی میان اسباب قایل نشده است مواجه با اشکال است زیرا این راه بی پایان بوده ممکن است تا خالق جهان هم ادامه پیدا کند. (قاسم زاده، ص ۳۸۵)

نظریه سبب نزدیک یا آخرین سبب.

این نظریه قدیمی ترین نظریه در حوزه تشخیص سبب مسئول است قانون مدنی آلمان در ماده ۸۲۳، و قانون مسئولیت مدنی ایران در ماده یکم خود همین طریق را طی کرده است. (همان، ص ۳۸۸)

بنابر این نظریه، در میان عواملی که در ایراد ضرر دخالت داشته اند تنها نزدیک ترین عامل به خسارت از لحاظ زمان باید در نظر گرفته شود: زیرا سبب نزدیک و مستقیم ارتباط تگاتنگ و نزدیک با متعلق ضرر دارد. ماده ۳۶۳ ق. م. ا. مقرر می دارد: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است مگر این که سبب اقوی از مباشر باشد».

اشکالات: مطابق این نظریه اتخاذ تصمیم برای قاضی و دادرس راحت و آسان است، او به راحتی از میان اسباب آخرین سبب را به عنوان سبب مسئول بر می گزیند. این استدلال اغلب با واقعیت منطبق است زیرا معمولاً اثر بیشتر را سبب مباشر در حادثه دارد و تا قبل از آن هیچ حادثه زیان باری متحقق نخواهد شد؛ ماده ۳۳۲ ق. م. ایران به عنوان یک قاعده کلی این نظریه پذیرفته است.

به نظر می رسد که دوری سبب و نزدیک بودن آن معیار دقیقی برای انتساب فعل زیان بار به سبب نزدیک نخواهد بود، زیرا در صورت که سبب دور قوی تر از سبب نزدیک باشد، بدون شک همان سبب دور ضامن است، قانون مدنی ایران در صدر ماده ۳۳۲، به عنوان یک قاعده کلی قبول کرده است اما در ذیل آن اقوی بودن سبب را معیار انتساب زیان به سبب معرفی کرده است. (همان، ص ۳۸۹)

نظریه سبب متعارف

طبق این نظریه زیان باید به عاملی نسبت داده شود که معمولاً و بر حسب جریان عادی امور موجب پدیدایی آن است؛ به عبارت دیگر خسارت را به کسی نسبت داد که یک انسان معقول (متعارف) بتواند به عنوان نتیجه طبیعی یا احتمالی تقصیر خود پیش بینی کند.

این نظریه از قدیم مورد قبول حقوق دانان و فقهای اسلامی بوده است و فقیهان اسلامی همواره بر اساس همین نظریه حکم کرده اند، زیرا بر اساس قواعد و اصول پذیرفته شده باید بین اسباب تفاوت قایل شد، بنا بر این تمام اسباب و شرایط که در ایجاد یک حادثه ای قرار دارند، در زمره اسباب محسوب نمی شوند بلکه آن حادثه سبب اصلی است که به صورت متعارف و سیری عادی منجر به وجود ضرر شود.

ماده ۳۵۲ ق.م.ا. ایران مقرر می دارد: (هر گاه کسی در ملک خود مقدار آتش روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی کند و عاداتاً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً به جای دگر سرایت کند و موجب تلف یا خسارت شود ضامن نخواهد بود)

نظریه سبب مقدم در تأثیر

این نظریه بر اساس رابطه طولی بین اسباب ارایه شده است هر گاه تأثیر چند سبب از نظر زمانی تقدم و تأخر داشته باشند، مسئولیت از آن سبب است که از اسباب دیگر از حیث زمان تأثیر خودش را زود تر گذاشته است.

مشهور فقهای امامیه این نظریه را پذیرفته اند، در ماده ۳۶۴ ق.م.ا. ایران آمده است: (هر گاه دو نفر عدواناً در وقوع جنایتی به نحو سبب دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب دیگری باشد، ضامن خواهد بود؛ مانند آنکه یکی از آن دو چاه حفر نماید و دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و عابر به سبب برخورد با سنگ به چاه افتد کسی که سنگ گذارده ضامن است و چیزی به عهده حفر کننده نیست و اگر عمل یکی از آن دو عدوانی و عمل دیگری غیر عدوانی باشد، فقط شخص متعدی ضامن خواهد بود).

مرحوم صاحب جواهر در توجیه این نظریه گفته است در صورت تردید حکم اثر سبب اول استصحاب و بر حکم سبب دوم که نسبت به سبب اول مانند شرط مباشرت است ترجیح داده می شود. (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ص ۱۴۶)

اشکالات: اولاً این نظریه فقط به اسباب طولی توجه داشته است و ثانیاً اگر تبانی در کار باشد به عبارتی دیگر همه اسباب تقصیر داشته باشند، همه ضامن خواهند بود.

نظریه تداخل اسباب

این نظریه توجه به نقش و میزان تأثیر گذاری اسباب دارد پیروان این نظریه معتقدند که هر سببی باید به اندازه که در ایجاد ضرر تأثیر داشته است مسؤول باشد؛ این نظریه از این جهت که به زیانهای وارده توجه دارد و هر سببی را به اندازه که مؤثر بوده مسؤول می داند عادلانه به نظر می رسد، ولی در عین حال اراد های بر آن وارد شده است.

تجزیه کردن زیانهای که نتیجه فعالیت چند سبب است منطقی نیست زیرا هر سبب در ایجاد تمام زیان دخالت دارد، خصوصاً در زیانهای مثل مرگ، جرح و لطمه به آبرو و حیثیت غیر قابل تجزیه می باشند.

هر گاه درجه تأثیر چند سبب، هر یک به تنهای بیش از پنجاه درصد باشد درجه تأثیر مجموع سبب ها بیش از مجموع در صد ضرر های ایجاد شده خواهد شد که در این صورت عدم تناسب معلول با علت پیش می آید که قابل توجیه منطقی نیست.

چگونه می توان از میزان دخالت هر سبب (کیفیت دخالت) به میزان ضرر (کمیت اثر) دست یافت؟ که آن نیز مبنای علمی ندارد. (قاسم زاده، ص ۳۹۳)

بنا براین از میان نظریات ارایه شده هر چند نظریه قابل قبول در حقوق ایران، نظریه سبب متعارف یا مؤثر است؛ ولی به طور قطعی نمی توان یکی از این نظریات را به عنوان نظریه کامل و جامع تلقی و آن را در تمام موارد دخالت اسباب متعدد؛ در ورود ضرر اعمال کرد. در نتیجه، در هر موردی، باید قاضی و دادرس دقت نماید که ضرر وارده عرفاً به کدام یک از حوادث دخیل، استناد دارد؛ به

عبارت دیگر ملاک و معیار نظر و منطق، عرف است که قاضی در احراز وجود سببیت بین خسارت وارده و عمل شخص، به عرف رجوع کند.

گفتار سوم: لزوم اثبات رابطه ای سببیت

وجود تقصیر یا فعل زیان بار به تنهایی برای الزام خواننده کافی برای جبران خسارت کفایت نمی کند به جز موارد که در مواد (۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۵، ۶۳۱، ق.م.) استثنا شده است، قانونگذار بر قراری رابطه سببیت بین فعل زیانبار و زیانهای وارد شده در موارد مذکور را لازم نمی داند. توضیح این که اگر قانونگذار فقط عنصر ضرر را در ایجاد مسئولیت کافی بداند و شخص علی رغم اینکه فعل او ضرر را بوجود نیاورده باشد مسئول بداند دیگر لازم نیست که زیان دیده برای اخذ خسارت رابطه سببیت را اثبات نماید، مصداق این مطلب در فقه و حقوق ایران غصب است (علی الید ما اخذت حتی تؤدی).

هم چنین در مسئولیت ناشی از فعل غیر (مثل مسئولیت کارفرما در برابر خسارت وارده از ناحیه کارگران به اشخاص ثالث موضوع ماه ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، یا مسئولیت متصدی حمل و نقل نسبت به خساراتی که از ناحیه مباشرین حمل و نقل به مال استجاری وارد می شود یا مسئولیت سرپرست صغیر و مجانین نسبت به خسارت که افراد تحت تکفل آنان به اشخاص ثالث وارد می کند که ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی به آن اشاره دارد) لزومی به اثبات رابطه سببیت ندارد.

گفتار چهارم: عدم لزوم اثبات رابطه سببیت.

مسلم بودن فرض تقصیر، قانون گذار ایران در ماده ۱۲ ق.م.م. به این موضوع اشاره کرده است، بر اساس آن در صورتی که کار گر در هنگام کار باعث ضرر به دیگری شود کار فرما مسوول جبران خسارت است چون در این مورد فرض تقصیر مسلم گرفته شده است.

البته که خواهان دعوا باید اثبات رابطه سببیت بین فعل کار گر و وقوع ضرر را اثبات نماید، ولی نیاز نیست علاوه بر آن به اثبات وجود رابطه سببیت میان زیان و تقصیر مفروض کار فرما بپردازد. (میر داداشی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۰)

تعهد به نتیجه: در موارد که تعهد خواننده از نوع تعهد به نتیجه باشد، که در صورت عدم حصول نتیجه معین خواهان از اثبات تقصیر خواننده معاف است و این معافیت شامل اثبات رابطه سببیت نیز می شود، در این گونه موارد آنچه که خواهان باید اثبات کند، وجود فقط تعهد است. (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۴۵۶)

البته خواند نمی تواند از طریق اقامه دلیل بر این که نظارت و حفاظت کامل را به نحوی شایسته انجام داده است از مسئولیت فرار کند، منتها اگر ثابت کند که زیان وارده از طریق سبب خارجی بوده و او در آن هیچ نقشی نداشته است، در این صورت مسئولیت نخواهد داشت. (میر داداشی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۳)

اما برخی از حقوق دانان این عقیده را که معافیت شامل رابطه سببیت هم بشود را صحیح ندانسته اند، بدین صورت؛ به فرض این که در مسئولیت قرار دادی اثبات تقصیر لازم نباشد، رابطه سببیت به طور حتم شرط است، زیرا متعهدله سخن خلاف اصل می گوید و باید او بار اثبات را تحمل کند؛ زیرا در مسئولیت قراردادی راجع به رابطه سببیت دو رابطه وجود دارد:

رابطه سببیت بین عدم انجام تعهد و فعل خواننده که این رابطه مفروض است و نیازی به اثبات ندارد و هرگاه تعهد انجام نشود به فعل خوانده منتسب می شود و خواننده در صورت اثبات علل خارجی می تواند این رابطه را از بین ببرد.

رابطه بین ضرر و عدم انجام تعهد: اثبات این رابطه به عهده متضرر است، بدین صورت که خواهان باید آنرا اثبات کند، درست است که قرارداد انجام نشده است و این امر سبب نمی شود که ضرر و زیان هم به موجب عدم انجام تعهد بوده است؛ زیرا چه ممکن ضرر به علت های دیگر بوجود آمده باشد. بنا بر این رابطه سببیت بین ضرر نقض تعهد در مسئولیت قرار دادی لازم است. (هاشمی، ۱۳۸۹، ص ۲۹-۳۰)

مبحث سوم عوامل تغییر رابطه سببیت

اگر چه وقوع فعل زیان بار توسط عامل آن موجب ضمان می شود، اما گاهی این مسئولیت به حکم قانون نادیده گرفته می شود.

قوه قاهره:

در حقوق ایران بروز قوه قاهر از عوامل رافع مسؤولیت مدنی به حساب آمده است، خواه مبنای مسؤولیت تقصیر باشد و یا قایل به مسؤولیت به نحوی مطلق باشیم، منتها با این تفاوت که در صورت پذیرش تقصیر، و اثبات مسؤولیت به بر عهده خواهان است و گرنه خواننده بی تقصیر تلقی می شود. اما بر مبنای مسؤولیت مطلق این خواننده است که باید قوه قاهره اثبات کند تا از مسؤولیت بری گردد و حتی اثبات به تقصیری وی هم نمی تواند مسؤولیت او را رفع کند. (فهیمی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۶-۲۰۷) اضطرار:

اضطرار حالتی است که شخص برای مصون نگه داشتن خود یا دیگری از خطر زیان بار یا قریب الوقوع به ناچار ضرر کمتری به دیگری که در ایجاد زیان نقشی نداشته است وارد نماید. (صفایی، ۱۳۸۳، ص ۵۵۸)

برخی بر این باورند که مضطر باید تمامی حالات خسارت های وارده به غیر را لاثبات عدم تقصیر توسط خواننده رافع مسؤولیت است. جبران نماید اما این عقیده قدری به نظر مشکل می آید. (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۲۸۴).

قانون مجازات اسلامی مرتکب جرم را در وقوع آتش سوزی برای حفظ جان، یا مال خود یا دیگری مجرم ندانسته است و به تبع آن قایل به مسؤولیت مدنی هم نمی باشد. در حالیکه منافات ندارد، کسی مسؤولیت کیفری نداشته، اما مسؤولیت مدنی داشته باشد. (فهیمی، ص ۳۱۲).

قاعده احسان:

از جمله موارد که موجب سقوط ضمان می شود قاعده احسان است، این قاعده می گوید هر گاه کسی به انگیزه خدمت و احسان به دیگران، موجب ضرر و زیان به آنها گردد عمل او موجب ضمان نم شود. (لطفی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۳)

دفاع مشروع:

مقصود از دفاع مشروع این است که کسی برای بر طرف کردن تعدی و تجاوز از خود یا دیگری موجب زیان به متجاوز شود، دیگر ممکن است شخص حقیقی یا حقوقی باشد به ویژه جامعه و امت اسلامی. (قاسم زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۲۱).

تحدیر:

منظور از تحدیر این است که اگر کسی هشدار های لازم را در مورد خطر کاری که قصد انجام را دارد بدهد ولی شنونده به هشدار های وی توجه نکند و در نتیجه آسیب به او وارد شود هشدار دهنده مسئولیت ندارد.

در زمانی امیرالمؤمنین (ع) تعدادی از کودکان ها بازی می کردند و یکی از آنها به دیگری هشدار داد که در مسیر فلاخن قرار نگیرد ولی او گوش نکرد و سنگ دندان وی را شکست، قضیه نزد امیرالمؤمنین (ع) مطرح شد حضرت فرمود (قد اعذر من حذر) هشدار دهنده معذور است. (فهمی، ص ۳۱۴)

اتلاف مشترک:

گاهی زیان دیده در وارد شدن زیان به خودش نقش دارد، که در این صورت ممکن است زیان وارده شده میان عامل زیان و زیان دیده تقسیم شود و گاهی ممکن است دخالت زیان دیده را به عنوان اذن در ورود محسوب شود که در این صورت هیچ گونه مسئولیت متوجه عامل زیان نخواهد بود. (همان، ص ۳۱۵).

اکراه:

عامل دیگر که موجب می شود مسئولیت ساقط شود اکراه است بدین توضیح که وادار کردن شخص به انجام کاری که آنرا نمی پسندد موجب ضرر و زیان به دیگری گردد مسئولیت ندارد. (امام خمینی، ص ۶۷)

نتیجه گیری

برای ایجاد مسئولیت تنها عنصر تقصیر کافی نیست اثبات رکن مهم، رابطه سببیت، میان فعل زیانبار و خسارت وارده لازم و ضروری است، در موارد که عامل و علت واحده، موجب ورود ضرر و زیان شده باشد، همان عامل و علت واحده، سبب ورود ضرر محسوب شده و مسئولیت از آن او می باشد، ولی در موارد که عوامل متعددی یا افراد مختلف در ایجاد ضرر دخیل بوده باشد؛ در این قسمت تقریباً پنج نظریه مطرح شده است که هر کدام طرفداران دارد، و نظریه سبب متعارف یا سبب مناسب نظریه قابل قبول شناخته شده است. حقوق دانان و فقهای اسلامی بر همین نظریه هستند و فقهای اسلامی همواره بر اساس همین نظریه حکم کرده اند، زیرا بر اساس قواعد و اصول پذیرفته شده، باید بین اسباب تفاوت قایل شد، بر این اساس تمام اسباب و شرایط که در ایجاد یک حادثه ای قرار دارند، نمی شود که همه را اسباب آن حادثه به حساب آورد، بلکه آن حادثه سبب اصلی است که به صورت متعارف و سیری عادی منجر به وجود ضرر شود. ماده ۳۵۲ ق.م.ا. ایران مقرر می دارد: (هر گاه کسی در ملک خود مقدار آتش روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی کند و عادتاً نیز سرایت نکند، لکن اتفاقاً به جای دگر سرایت کند و موجب تلف یا خسارت شود ضامن نخواهد بود) و هم چنین بر اساس تبصره ماده ۳۳۷، قانون مجازات اسلامی حوادث غیر قابل پیش بینی و غیر قابل اجتناب که نتوان آن را به خواننده نسبت داد، خواننده هیچ گونه مسئولیت ندارد

فهرست منابع

اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ القرآن کریم، ناشر، کتاب فروشی مرتضوی، چ دوم، ۱۳۶۲ش.

جعفری تبار، حسن، مسئولیت مدنی سازندگان، و فروشندگان کالا، تهران، ۱۳۷۵ش.

خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، نشر، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۹ق.

خمینی، روح الله، کتاب البیع، ج ۲، نشر، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

صفای، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۲، نشر، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۳ش.

عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، نشر، مؤسسه امیر کبیر، تهران، چ اول، ۱۳۶۳.

غفرانی، محمد، فرهنگ اصطلاحات روز فارسی - عربی، انتشارات امیر کبیر تهران، ۱۳۸۵ش.

فهمی، عزیزالله، مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در فقه و حقوق ایران، نشر، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۱ش.

قاسم زاده، محمود، مبانی مسئولیت مدنی، نشر میزان، ۱۳۸۷ش.

قاسم زاده، مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، نشر میزان، ۱۳۸۷ش.

کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، الزام های خارج از قرار قرار داد، ج ۱، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۹ش.

کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری و مسئولیت مدنی، نشر، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۷۸ش.

کاشف الغطاء، محمد حسین، تحریر المجله، نشر، مکتبه النجاشی، ۱۳۵۹.

لطفی، اسدالله، موجبات و مسقطات ضمان در فقه و حقوق مدنی ایران، نشر، مجد، ۱۳۷۹ش.

میر داداشی، سید مهدی، مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی در حقوق ایران و مصر، نشر، قم دانشگاه مفید، ۱۳۹۳ش.

میر داداشی، مهدی، مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی در حقوق ایران و مصر، نشر، دانشگاه مفید، ۱۳۹۳ش.

میرزایی، نجفعلی، فرهنگ اصطلاحات معاصر عربی، فارسی، مؤسسه فرهنگ معاصر، ۱۳۸۹ش.

هاشمی، سید احمد علی، دامنه مسئولیت مدنی، نشر، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹ش.